



تمام مراحل شناسایی و حل مسئله، تعیین کننده است و دقت و اثربخشی پژوهش را ارتقا خواهد داد. چنین سامانه‌ای در کشور وجود ندارد و تنها اقداماتی به صورت پراکنده و موردی انجام می‌شود. به گمان من حوزه‌های علمیه می‌توانند در این عرصه پیش‌گام باشند و با توجه به مطالعاتی که انجام شده، می‌توان امیدوار بود و امیدواریم حوزه علمیه و نظام پژوهشی کشور حمایت‌های جدی‌تری از این اقدام داشته باشند.

**وجه دیگر پژوهش، پژوهشگران هستند و ارتباط ستاد پژوهش با صف تولید علم؛ نهاد پژوهش چقدر توانسته این ارتباط را ایجاد و پژوهشگران را به سمت نیازها هدایت کند؟**

ما در گام اول اقدام به شناسایی کرده‌ایم و از وضعیت مراکز پژوهشی حوزه اطلاع داریم.

**ظاهراً بیشترین تمرکز بر روی نیازسنجی بوده است...**

خیر، ما ظرفیت مراکز پژوهشی را می‌دانیم و یک نظام طبقه‌بندی اولیه نیز برای آن‌ها تعریف کرده‌ایم؛ البته باید بتوانیم اطلاعات مربوط به فعالیت‌های آنان را در یک رنکینگ استاندارد طبقه‌بندی کنیم. چنین چیزی در مراکز پژوهشی ضرورت دارد که البته هنوز اقتضات فرهنگی آن به وجود نیامده است. از سوی دیگر

گاهی حداقل امکانات در این مراکز وجود ندارد و امکانات موجود هم به صورت عادلانه توزیع نمی‌شود. شکل‌گیری انجمن‌های علمی حوزه اهمیت بسیاری دارد و فعالان عرصه هر دانش را شناسایی و با آن‌ها ارتباط‌گیری می‌کند. از سوی دیگر پژوهش‌گران گروه‌های مختلف دانش را شناسایی کرده‌ایم.

**آیا نظام حمایتی هم تعریف شده؟** در طراحی وجود دارد و فعالیت‌های مختصری هم وجود دارد؛ اما در اجرا محدودیت‌های جدی مواجه است و در عمل نظام‌مند نیست. اگر آن‌چه که به عنوان صندوق حمایت از پژوهشگران و واحدهای پژوهشی حوزه‌های علمیه طراحی شده است، در سال ۹۲ عملیات حمایتی خود را انجام دهد، توفیق بزرگی خواهد بود. طراحی بخش‌هایی برای حمایت از نخبگان و استعدادهای برتر حوزوی

انجام و اولین مرحله شناسایی آن‌ها به صورت آزمایشی آغاز شده است و در سال جاری به صورت جدی‌تری انجام خواهد شد.

**چه برنامه‌ای برای تقویت پژوهش‌های گروهی و نظام‌ساز و پرهیز از موازی‌کاری داشته‌اید؟**

با انقلاب اسلامی تحول بزرگی ناظر به حضور دین در عرصه نظام اجتماعی ایجاد شده است و طبیعتاً حوزه باید پاسخ‌هایی برای عرصه‌های جدید داشته باشد. از سوی دیگر تحولاتی در جهان اتفاق افتاده و عرصه نفوذ انسان تغییر کرده و تصرفاتی در طبیعت ایجاد می‌کند که در قرن‌های گذشته تصورش را هم نمی‌توانست بکند. این جهان تحول‌یافته، مسائل جدیدی را هم به دنبال خودش می‌آورد و این مسائل نوپدید، عرصه فعالیت را برای ما گسترده‌تر می‌کند. بنابراین فشار مضاعف و چندین‌برابری بر دوش

**مهم‌ترین عرصه کمک نظام اسلامی به پژوهش‌های حوزوی، کمک در سنجش روایی دانش تولیدشده در عرصه‌های دینی است؛ نظریات و پروسه‌ها در بطن نظام اجتماعی محک می‌خورد و اثربخشی تحقیقات توسعه‌ای را جز در محیط مصرف نمی‌توان احراز کرد.**

**ما به گروه‌هایی برای پژوهش نیاز داریم و حتی بالاتر از این، بسیاری از این مسائل، چندوجهی، پیچیده و به تعبیری «کمپلکس» هستند که یک رشته دانشی قادر به حل آن نیست؛ بلکه نیازمند کارگروه‌هایی متشکل از صاحبان علوم مختلف است.**

حوزه‌های علمیه ایجاد می‌شود. از طرف دیگر، وقتی جامعه متقاضی گسترده می‌شود، تقاضای بیشتر، تولیدکننده بیشتری را هم می‌خواهد که این نظام گسترده باید سامان یابد.

در گذشته افرادی تحقیقاتی را انجام می‌دادند و معمولاً محصولات مهم علمی بر مدار قله‌های علمی و شخصیت‌های برجسته علمی تولید می‌شد. مرحوم علامه حلی فقط در عرصه فقه، یک‌تنه پانزده عنوان کتاب را برای نیازهای مختلف تدوین می‌کند. او نیازهای جامعه را کاملاً در نظر گرفته بود؛ از نوشتن یک کتاب فقهی برای متعلمان اولیه تا کتابی در فقه استدلالی و حتی فقه مقارنه‌ای در درون مکتب شیعی. اما امروز حتی با چندین نفر هم نمی‌توان همه این کارها را انجام داد و طبیعتاً باید افراد متکثری در پژوهش‌ها ورود پیدا کنند.

ما به گروه‌هایی برای پژوهش نیاز داریم و حتی بالاتر از این، بسیاری از این مسائل، چندوجهی، پیچیده و به تعبیری «کمپلکس» هستند که یک رشته دانشی قادر به حل آن نیست؛ بلکه نیازمند کارگروه‌هایی متشکل از صاحبان علوم مختلف است.

البته من پژوهش موازی را در صورت اهمیت موضوع و وجود امکانات و فرصت کافی، مثبت می‌دانم، چون می‌تواند نشان‌دهنده میزان اهمیت موضوع و لزوم نگاه‌های متنوع به آن باشد. بنابراین پیش‌گیری مطلق از تکرار و موازی‌کاری معقول نیست.